



بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت‌های شهروندی در مدیریت شهرهای جدید (نمونه موردی: شهر جدید سهند)

دکتر براتعلی خاکپور^۱، ملیحه میرزابکی^۲

۱- دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

مقاله حاضر با هدف ارزیابی عوامل مؤثر بر مشارکت‌های شهروندی در مدیریت شهرهای جدید تهیه شده است. روش تحقیق به کار گرفته شده، توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی است. حجم جامعه آماری برابر با ۱۸۵۱۸ نفر و ۵۸۴۰ خانوار برآورد شده است. از این رو نمونه آماری این جامعه، با استفاده از فرمول کوکران به میزان ۳۳۰ نفر برآورد گردید. روش نمونه برداری از جامعه آماری نیز بر اساس روش تصادفی است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که هر چه میزان رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری بیشتر باشد، به همان میزان تمایل بیشتری به مشارکت در مدیریت از خود نشان می‌دهند و از سوی دیگر چنانچه شهروندان آگاهی و اطلاع لازم از برنامه‌ها و تصمیم‌گیریهای مدیریت شهر جدید نداشته باشند، تمایلی به مشارکت نخواهند داشت. در عین حال اغلب شهروندان معتقد بودند که سودآور بودن فعالیت مشارکتی بر مشارکت آنان مؤثر است و در صورتیکه پاداشی برای حمایت مشارکتی آنان در نظر گرفته شود، شهروندان بیشتر در فعالیت‌های شهر جدید مشارکت خواهند کرد. همچنین بررسی و مشاهدات انجام شده حاکی از آن است که در شهر جدید سهند، سطح تحصیلات مشارکت‌کنندگان یکی از عوامل مؤثر در میزان مشارکت شهروندان در ساختار مدیریت شهر جدید به شمار می‌رود و وجود رابطه‌ای مستقیم بین سطح تحصیلات و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری به اثبات رسیده است. از سوی دیگر هر چه افراد از پایگاه اقتصادی قویتری برخوردار باشند، میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری بالاتر است و بالعکس. همچنین وجود مراکز اشتغال برای شهروندان موجب پذیرش بیشتر مسئولیت از سوی مردم می‌گردد و از سوی دیگر می‌تواند در افزایش حس تعلق اجتماعی شهروندان اثرگذار باشد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، شهر جدید، مدیریت شهری، شهروندی.



اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار

The 1st National Conference on Geography, tourism, natural resources and sustainable development

۱- مقدمه

موضوع ایجاد شهرهای جدید سابقه ای به درازای تاریخ دارد. لیکن از اواسط قرن گذشته، به ویژه در دهه‌های اخیر، به عنوان پایه و اساسی برای ساماندهی و پالایش شهرهای بزرگ انتخاب شده است. این شهرها در مدل‌های مختلف اقماری، مستقل، بازسازی شده، پایدار و اداری - سیاسی، در اروپا، آمریکا، استرالیا و آفریقا، برنامه ریزی و ساخته شده اند (Ziari, 2006:1).

در واقع ایجاد شهرهای جدید، راهبردی در قبال تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیت درون شهرهای بزرگ بوده اند (Eddie and Hui, 2005: 424). ایجاد شهرهای جدید در ایران نیز به عنوان راهکاری برای کنترل رشد شهرهای بزرگ و محرکی برای توسعه، گسترشی روز افزون به خود گرفته است. بدین ترتیب که طی این سال‌ها اکثر شهرهای کشورمان و به ویژه کلانشهرها، هرکدام بنا بر مقتضیات مکانی و زمانی خود اقدام به ایجاد شهر یا شهرهای جدید در فواصل دور و نزدیک نموده‌اند.

با اینکه شهرهای جدید در ایران به منظور تمرکززدایی از مادرشهرهای بزرگ، طراحی شده اند، لیکن به نظر می‌رسد که بسیاری از آنها نتوانسته اند در تحقق اهدافی که بدان منظور طراحی شده اند، موفقیت چشمگیری داشته باشند. در میان علل مختلفی که برای این عدم موفقیت ذکر شده است، "کم توجهی به بحث مشارکت شهروندان" نیز از عوامل مهم و اثرگذار به شمار می‌رود (قرخلو، ۱۳۸۸: ۱۸۵).

امروزه مشارکت یکی از مفاهیم عمده و اصلی توسعه پایدار می‌باشد. در طول نیم قرن گذشته بحث مشارکت از موارد بسیار مهمی بود که برای تمامی حوزه‌های علوم اجتماعی جذابیت ویژه ای داشت، بطوریکه در دهه ۶۰-۷۰ میلادی در آمریکا و اروپا بیش از هزاران تحقیق بنیادی و کاربردی در این حوزه انجام گرفته است. با گسترش معنای مشارکت و راه یافتن آن به تمام عرصه‌های زندگی، امروزه سخن از شرایطی است که همه مردم در تعیین سرنوشت خویش دخالت آگاهانه و واقعی پیدا کنند. به باور اندیشمندان، شهروندان به عنوان تأمین کنندگان اصلی هزینه‌های شهری (مالیات دهندگان) و به عنوان مجریان قوانین شهری باید در مورد آینده شهر خود با مسئولین مشارکت نمایند. با این وجود بعد مشارکت مردمی در فرایند مدیریت شهری با مشکل و چالشی جدی روبه‌رو است و عدم شرکت بخش مردمی در امور مربوط به مدیریت شهر و نیز عدم علاقه مردم برای مشارکت در اموری که مربوط به خودشان است، مدیریت شهری را با مشکل بزرگی روبه‌رو می‌سازد (شریف زاده و صدقی، ۱۳۸۸: ۴۸).

از آنجایی که مشارکت مردم در امور شهرها، بویژه در شهرهای جدید، یکی از اهداف جوامع معاصر است، ضروری است تا با شناخت جایگاه واقعی مشارکت شهروندان ابزارهایی واقعی برای تسهیل این مشارکت به کار رود، تا با شناخت این عوامل و با تأکید بر آنها، بتوانیم از مشارکت شهروندان در امور شهرهای جدید که بی‌گمان حیاتی‌ترین عامل در زمینه توسعه آنها است، استفاده ببریم. از اینرو پژوهش حاضر می‌کوشد به تحلیل و بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت‌های شهروندی در مدیریت شهر جدید سه‌پند بپردازد.



اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار

The 1st National Conference on Geography, tourism, natural resources and sustainable development

۲- اهداف تحقیق

مهمترین اهداف این پژوهش عبارتند از:

- ۱- سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان شهر های جدید در مدیریت شهری.
- ۲- ارائه پیشنهادات و راهکارهایی جهت افزایش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهر جدید.

۳- فرضیه های تحقیق

پژوهش حاضر در راستای بررسی فرضیات زیر تدوین شده است:

- ۱- به نظر می رسد بین سطح تحصیلات شهروندان شهر جدید با میزان مشارکت آنان در مدیریت شهری رابطه وجود دارد.
- ۲- میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با پایگاه اقتصادی آنان مرتبط است.
- ۳- به نظر می رسد با افزایش میزان رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری، بر میزان مشارکت آنان در مدیریت شهر افزوده می شود.
- ۴- به نظر می رسد بین میزان اطلاع شهروندان از برنامه ها و تصمیم گیریهای مدیریت شهر جدید و میزان مشارکت آنان رابطه وجود دارد.
- ۵- سودآور بودن فعالیت مشارکتی بر میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مؤثر است.
- ۶- به نظر می رسد بین وجود مراکز اشتغال و مشارکت شهروندان در مدیریت شهر جدید رابطه وجود دارد.

۴- مواد و روشها

روش تحقیق به کار گرفته شده توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و بررسی های میدانی است. حجم جامعه آماری در سال ۱۳۸۹ برابر با ۱۸۵۱۸ نفر و ۵۸۴۰ خانوار بوده است (حسین زاده دلیر و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۰). از این رو نمونه آماری این جامعه، با استفاده از فرمول کوکران با خطای استاندارد ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد به میزان ۳۱۶ نفر برآورد شده است که به منظور افزایش دقت به ۳۳۰ نفر افزایش یافت. روش نمونه گیری نیز بر اساس روش تصادفی است. برای تعیین روایی سوالات ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه ای و منابع مربوط به موضوع پژوهش، پرسشنامه ای تهیه شد و سپس محتوی سوالات توسط اساتید صاحب نظر مورد ارزشیابی قرار گرفت. پایایی ابزار گردآوری داده ها نیز با استفاده از روش پایایی درونی ۰/۸۶ محاسبه شد. سپس داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.



۵- مبانی نظری تحقیق

"شهر جدید اجتماعی خوداتکاست با جمعیت و مساحت مشخص، فاصله ای معین از مادرشهر، برنامه ریزی از پیش تعیین شده، اهداف معین و همچنین برخوردار از تمام تسهیلات لازم برای یک محیط مستقل". ایجاد شهر جدید عملی ارادی است که فرض را بر وجود یک منبع قدرت یا سازمانی می گذارد که تأمین کننده مکان و منابع برای توسعه شهر و اعمال کنترل مداوم بر آن است تا شهر به اندازه مطلوبی برسد. شهرهای جدید بر اساس وسعت، فاصله، جمعیت، نوع و سطح فعالیت‌های اقتصادی در چندین الگو طبقه بندی می شوند: شهرهای جدید مستقل، شهرهای جدید اقماری و شهرهای جدید پیوسته. شهرهای جدید اقماری اجتماعات برنامه ریزی شده ای هستند که در درون حوزه کلانشهرها پیوندهای عملکردی مستحکمی را با شهر مادر حفظ می کنند. متداولترین نوع ایجاد شهرهای جدید در ایران شهرهای جدید اقماری است، ضرورت احداث چنین شهرهایی ناشی از رشد روزافزون مشکلات شهرهای بزرگ بوده و عملکرد آنها جذب سرریزهای جمعیتی شهرهای بزرگ می باشد (زیاری، ۱۳۸۲: ۵).

احداث شهرهای جدید در ایران چهار دوره مشخص دارد (معصومی اشکوری، ۱۳۷۰: ۲۴) دوره اول، در فاصله دو جنگ جهانی، که در این دوره شهرها با هدف های مشخص و معینی ساخته شدند و به سه دسته تقسیم می شوند: الف) شهرهایی که با اهداف سیاسی و نظامی شکل گرفتند؛ ب) شهرهایی که با اهداف اقتصادی ایجاد شدند؛ ج) کوی کارمندان دولت در مجاورت شهرهای بزرگ که تکوین آنها بر اساس یک هسته روستایی بود؛ به طوری که بافت شهری جدید سبب گردید تا هسته روستایی را در خود ادغام نماید. دوره دوم، بعد از جنگ جهانی دوم تا اواسط دهه ۴۰، رشد و گسترش صنایع وابسته به نفت و دیگر صنایع در حال رشد باعث شد تا شهرهای جدید بر پایه صنایع وابسته به نفت و کوی کارمندان شکل بگیرد. دوره سوم، از نیمه دوم دهه ۴۰ تا دوران پیروزی انقلاب اسلامی. در این دوره درآمدهای نفتی افزایش یافته و به موازات آن جمعیت شهرنشین کشور افزایش چشمگیری می یابد و شهرهای جدید در فاصله ای مناسب از بافت های شهری بدون وابستگی به هیچ هسته اولیه روستایی پی ریزی شدند. دوره چهارم، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با وقوع جنگ تحمیلی کار احداث شهرهای جدید به تعطیلی کشانده شد و تفاوت های عمده ای در عملکرد آنها میان شهرهای جدید امروزی با دوره سوم وجود دارد. در سالهای گذشته، احداث شهرهای جدید بر محور عملکردگرایی اقتصادی تک پایه دور می زد، در حالی که امروزه محل اسکان سرریز جمعیت شهرهای بزرگ تلقی می شوند و آنها را به شکل های اقماری در می آورد (بزی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۱). از سوی دیگر، یکی از مهم ترین عوامل در روند رشد و توسعه اجتماعی - اقتصادی، بویژه در جوامع شهری و روستایی، نقش و حضور فعالانه مردم در اداره جامعه خود می باشد. هر گامی که در راه توسعه برداشته می شود باید با همراهی مردم باشد، زیرا افزایش نیروی انسانی در محیط و بالا رفتن کارایی در تأمین نیازها و برنامه ریزی محلی، شرط اصلی و مهم جهت تحقق توسعه واقعی به شمار می رود.

در دهه های اخیر توجه جهانیان به مسایل و مشکلات توسعه معطوف شده است. در سال ۱۹۷۵ میلادی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل توصیه کرد که مشارکت مردمی به عنوان یک سیاست اساسی در راهبرد توسعه



اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار

The 1st National Conference on Geography, tourism, natural resources and sustainable development

ملی به کار گرفته شود، چرا که مشارکت به کارایی سیاست های اقتصادی کمک می کند و فرایند تصمیم سازی های اقتصادی را شفاف می سازد، به نحوی که همه می توانند در اثر بخشی نهادهای اقتصادی همیاری کنند (World Bank Report 1997).

در تعریف این واژه می توان گفت، "مشارکت" به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمعی، گروهی و سازمانی جهت بحث و تصمیم گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال است (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۱۵). "مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیتهای گروهی است که آنان را بر می انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسؤولیت کار شریک شوند (طوسی، ۱۳۷۸: ۵۴). کمیسیون اسکفینگتن مشارکت را چنین تعریف می کند: مشارکت به نظر ما سهیم شدن مردم و تدوین سیاستها و پیشنهادها است. مشارکت به اندازه گفتگو، اقدام را هم دربر می گیرد. مشارکت کامل فقط در جایی تحقق می یابد که مردم بتوانند نقشی فعال در فرایند تهیه طرح بر عهده بگیرند (شریف زاده، ۱۳۸۸: ۵۲). از نظر ساموئل پل (۲۰۰۱)، مشارکت محلی فرایندی است فعال، که در آن بهره مندان به جای آنکه صرفاً سهمی از مزایای پروژه دریافت کنند، به جهت گیری و اجرای پروژه های توسعه تأثیر می گذارند پل اهداف زیر را برای مشارکت قائل شده است:

(۱) مشارکت در هزینه های پروژه، (۲) افزایش کارایی و اثربخشی پروژه، (۳) توانمند سازی بهره برداران از طریق آموزش های رسمی و غیررسمی و فعالیت های آگاهی بخش و (۴) افزایش اختیار (بامبر، ۱۹۹۶). مشارکت شهروندان نقشی اساسی در خلق جوامع سالم با ایجاد حوزه هایی قدرتمند، که قادر هستند دسترسی برابر به منابع موجود را ممکن سازند، ایفا می کند (Pennie & etal, 2009).

در حالی که حکومتها و بنگاه ها به مشارکت از نقطه نظر ابزاری یا توسعه ای نگاه می کنند؛ خود مردم به طور فزاینده ای آن را یک حق یا فرصت برای خود می نگارند (Momeni & etal, 2011). آنها استدلال می کنند که مشارکت کردن در تصمیماتی که شرایط زندگی و کار آنها را در خانه و محله شان تحت تأثیر قرار می دهد، نه تنها یک "توسعه خوب" بلکه اساسی ترین حق انسانی شان است. این نوع مشارکت ها در گذر زمان با تغییرات مفهومی و ساختاری مختلفی همراه بوده و این خود به دلیل اهمیت روزافزون این مبحث در ساختار شهرها می باشد. به عنوان نمونه تفاوت مشارکت در برنامه ریزی سنتی و استراتژیک را می توان به صورت جدول زیر ارائه کرد (صالحی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۷).

جدول شماره (۱): تفاوت مشارکت در برنامه ریزی سنتی و استراتژیک

زمینه	برنامه ریزی سنتی (الگوی جامع)	برنامه ریزی استراتژیک
مشارکت گروه های ذینفع در برنامه ریزی	۱. بی توجهی به مشارکت مردم، نهادهای غیردولتی در فرایند برنامه ریزی. ۲. برنامه ریزی و طراحی در مسؤولیت حکومت قرار دارد. ۳. عدم توجه به خواستها و نقش مردم در شکل گیری شهر. ۴. مشارکت مردمی وقت گیر و مانعی در تهیه برنامه ها است.	۱. تأکید بر مدیریت اجرائی و مشارکت همگانی دارد. ۲. تمامی مراحل آن بر اساس اتفاق نظر و مشارکت قرار دارد. ۳. یکی از عوامل اصلی و مؤثر، توجه به مردم در فرایند برنامه ریزی استراتژیک است. ۴. مشارکت مردمی موجب پیدایش راه حل های خلاق می شود.

ماخذ: (مرادی مسیحی، ۱۳۸۵: ۲۳۲)



اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار

The 1st National Conference on Geography, tourism, natural resources and sustainable development

با توجه به مطالب فوق می توان اذعان داشت که با گذر زمان و گذر از دوران سنتی، بر جایگاه و نقش مشارکت در طرح ها و مدیریت شهرها تاکید می شود، به طوری که توجه به مبحث مشارکت موجب موفقیت برنامه ریزی ها و مدیریت موفق شهرها خواهد شد.

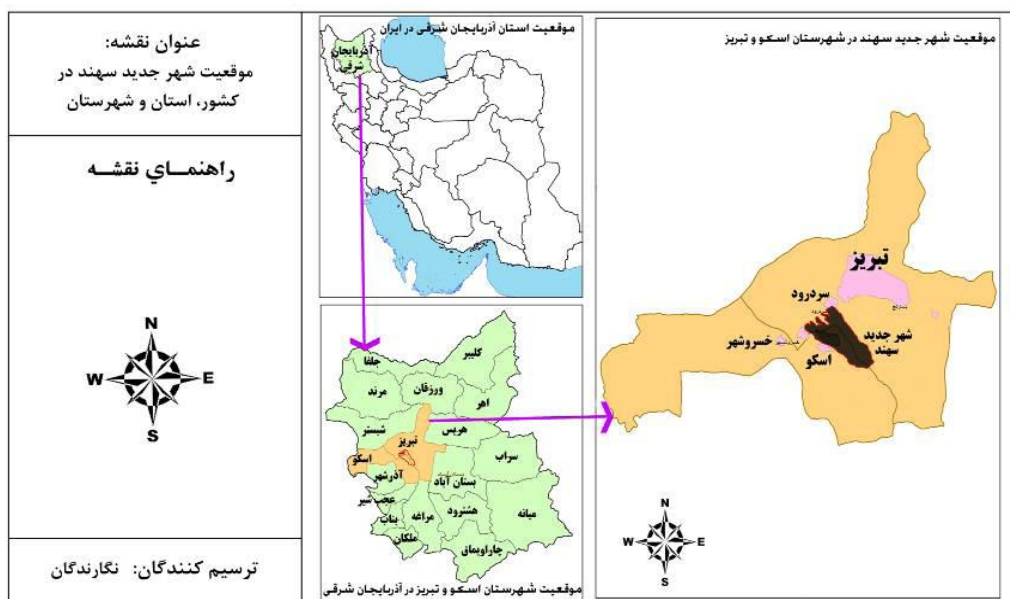
مشارکت شهری برای نظام مدیریت شهری و توسعه شهری کارکردهای گوناگونی دارد. از جمله این کارکردها می توان به افزایش دسترسی به اطلاعات شهری، تعیین اولویت ها و نیازهای شهروندان و کوشش جمعی برای اجرای پروژه های توسعه شهری اشاره کرد (Chakrabarty, 2001). بر این اساس عمده ترین نتایج و پیامدهای مشارکت شهری عبارتند از: آگاهی مردم از مهارت ها و توانایی های خود؛ تقویت حس اعتماد و اطمینان نسبت به مدیران شهری؛ تقویت حس همکاری میان شهروندان و مدیریت شهری؛ بروز خلاقیت های شهروندان و ارائه طرح ها و پیشنهادات؛ حل مشکلات شهری از طریق شهروندان؛ احساس تعلق بیشتر به جامعه شهری از سوی دیگر اصول اولیه مدیریت شهری عبارتند از رعایت اصول بهره برداری صحیح، پاسخ دهی اجتماعی و انعطاف پذیری که به طور مساوی قابل اجرا هستند. مدیریت شهری باید بتواند در پاسخ دهی و غلبه بر محدودیت ها و مسائل شهری به بهترین شکل عمل کند (زیاری و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۱۳).

مهمترین هدف مدیریت شهری را نیز می توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست. بنابراین هنگامی که شهر، دارای مشکلات و نارسایی هایی در چرخه امور خود است می توان به این نتیجه رسید که مدیریت شهری آن در تنگنا و نارسایی به سر می برد. در این باره، مدیریت شهری باید ضمن دارا بودن برنامه برای وضع موجود شهر و فایق آمدن بر مشکلات آن، برنامه های آینده شهر را تدوین کرده، بر اساس آنها، به ترسیم آینده ایده آلی که بر مبنای واقعیت ها و شرایط زمان و مکان قرار دارد، بپردازد. در این زمینه مدیریت شهری باید حافظ شهرها و منافع مردم شهرها باشد (شیعه، ۱۳۸۲: ۳۹).

۶- محدوده مورد مطالعه

شهر جدید سهند، شهری تازه تأسیس در استان آذربایجان شرقی است که تقریباً در حدود دو دهه پیش به منظور کنترل رشد بیش از اندازه شهر تبریز و پاسخگویی به سرریز جمعیت این شهر، در فاصله ۲۰ کیلومتری جنوب غربی تبریز، در شرق محور ارتباطی تبریز- آذرشهر و در دامنه های جنوبی رشته کوه سهند احداث گردید (قربانی، ۱۳۷۷: ۱۱۰). شهر جدید سهند در سال ۱۳۶۸ از سوی وزارت مسکن و شهرسازی و با استفاده از قانون تأسیس شهرهای جدید در تابعیت بخش مرکزی شهرستان اسکو در استان آذربایجان شرقی تأسیس گردیده است (سپ، ۱۳۸۷: ۱۲). اراضی اختصاص یافته به این شهر حدود ۱۲۶۵۰ هکتار است که در دامنه کوه سهند واقع شده است. موقع ریاضی این شهر به ترتیب ۳' - ۴۶° و ۱۵' - ۴۶° طول جغرافیایی و ۵۳' - ۳۷° و ۵۹' - ۳۷° عرض جغرافیایی می باشد (همان، ص ۱۴).

شکل شماره (۱): موقعیت شهر جدید سهند



مأخذ نقشه پایه: (ساپ، ۱۳۸۷:۱۴) و (پورجعفر و دیگران، ۹۱:۸۴)

۷- یافته های تحقیق

۷-۱- بررسی پاسخگویان بر حسب جنس

بررسی ترکیب جنسی پاسخ دهندگان نشان می دهد که از مجموع ۳۳۰ نفر پاسخگویان، ۲۰۶ نفر برابر با ۶۲/۴۲ درصد از پاسخگویان را مرد و ۱۲۴ نفر برابر با ۳۷/۵۸ درصد از پاسخگویان را زنان تشکیل می دهند.

۷-۲- بررسی پاسخگویان بر حسب سن

از مجموع پاسخگویان، ۱۳/۲ درصد دارای سن کمتر از ۲۰ سال، ۲۱/۶ درصد در گروه سنی ۲۰-۳۰ سال، ۴۶/۱ درصد در گروه سنی ۳۰-۴۰ سال، ۹/۱ درصد در گروه ۴۰-۵۰ سال و ۱۰ درصد در محدوده سنی بیش از ۵۰ سال قرار دارند. بر این اساس افراد در بازه سنی ۳۰-۴۰ سال بیشترین تعداد و افراد گروه سنی ۴۰-۵۰ سال کمترین تعداد را به خود اختصاص داده اند.

۷-۳- بررسی پاسخگویان بر حسب تحصیلات

بررسی میزان تحصیلات پاسخگویان، حاکی از آن است که ۴۹ درصد آنان دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم می باشند. ۳۴ درصد دارای مدرک لیسانس، ۱۰/۲ درصد دارای مدرک بالاتر از لیسانس، و ۶/۸ درصد دارای مدرک زیر دیپلم هستند. بنابراین بیشترین درصد میزان تحصیلات به گروهی از شهروندان که دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم می باشند و کمترین مقدار به گروه افرادی که دارای مدرک زیر دیپلم هستند اختصاص دارد.



اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار

The 1st National Conference on Geography, tourism, natural resources and sustainable development

۴-۷- بررسی پاسخگویان بر حسب وضعیت شغلی

از مجموع ۳۳۰ نفر پاسخگویان، ۳۱۲ نفر (۹۴/۵ درصد) شاغل بوده که ۲۴۳ نفر (۷۷/۸ درصد) در بخش دولتی، ۴۵ نفر (۱۴/۴ درصد) در بخش خصوصی و ۲۴ نفر (۷/۸ درصد) دارای شغل آزاد می باشند. ۵/۵ درصد از آنان نیز بیکار می باشند.

۵-۷- بررسی پاسخگویان بر حسب میزان درآمد آنان

از میان پاسخگویان ۴۴/۸ درصد دارای درآمد کم، ۵۰/۹ درصد دارای درآمد متوسط و ۴/۳ درصد دارای درآمد زیادی می باشند.

۶-۷- بررسی پاسخگویان بر حسب بومی یا غیر بومی بودن

بر اساس اطلاعات بدست آمده، ۸۵/۸ درصد پاسخگویان بومی و ۱۴/۲ درصد غیر بومی می باشند.

۷-۷- تحلیل رابطه بین سطح تحصیلات شهروندان شهر جدید با میزان مشارکت آنان در مدیریت شهری

جدول شماره دو، رابطه بین سطح تحصیلات شهروندان شهر جدید با میزان مشارکت آنان در مدیریت شهری را نشان می دهد. برای سنجش متغیرها و آزمون فرضیه فوق از آزمون خی دو (χ^2) استفاده شده است. سطح معناداری محاسبه شده برابر با $\text{sig} = (0.00006)$ و از سطح معناداری مورد نظر ($\alpha = 0.05$) کمتر است، لذا وجود رابطه بین سطح تحصیلات شهروندان شهر جدید با میزان مشارکت آنان در مدیریت شهری تأیید می شود.

جدول شماره (۲) - بررسی رابطه بین سطح تحصیلات شهروندان شهر جدید با میزان مشارکت آنان در مدیریت شهری جدید

نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری (sig)	درجه آزادی (df)	نتیجه فرضیه تحقیق
آزمون خی دو	۲۴/۶۹	۰/۰۰۰۰۶	۴	تایید

از سوی دیگر با توجه به مقدار ضریب همبستگی رتبه ای سامرز ($\text{Samers' D} = ۰/۲۲$) می توان نتیجه گرفت که

بین دو متغیر رابطه مستقیم و متوسطی وجود دارد.

۸-۷- تحلیل رابطه بین میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و پایگاه اقتصادی آنان

با توجه به جدول شماره (۳) و مقدار آزمون خی دو (χ^2) که با درجه آزادی ۴ در سطح کاملاً معنی داری است، می

توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر به لحاظ آماری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۳) - بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی شهروندان شهر جدید با میزان مشارکت آنان در مدیریت شهری جدید

نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری (sig)	درجه آزادی (df)	نتیجه فرضیه تحقیق
آزمون خی دو	۴۵/۴۵	۰/۰۰۰	۴	تایید

همچنین با توجه به ضریب همبستگی سامرز ($\text{Samers' D} = ۰/۴۲$)، می توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر رابطه

ای مستقیم و نسبتاً قوی وجود دارد. بدین معنی که با افزایش میزان درآمد شهروندان، میزان مشارکت آنان نیز

افزایش می یابد.



اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار

The 1st National Conference on Geography, tourism, natural resources and sustainable development

۹-۷- تحلیل رابطه بین میزان رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری و میزان مشارکت آنان در مدیریت

شهر جدید

همانطور که در جدول شماره (۴) مشاهده می شود، سطح معناداری (sig) بر اساس آزمون خی دو (χ^2) بین متغیرهای فوق برابر با (۰/۰۱) می باشد که بیانگر رابطه معنادار بین این متغیرها است.

جدول شماره (۴) - بررسی رابطه بین میزان رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری با میزان مشارکت آنان در مدیریت شهر

نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری (sig)	درجه آزادی (df)	نتیجه فرضیه تحقیق
آزمون خی دو	۱۳/۰۴	۰/۰۱	۴	تایید

همچنین ضریب همبستگی رتبه ای سامرز برابر با (Samers' D = ۰/۲۵) می باشد که حاکی از وجود رابطه مستقیم و همبستگی متوسط بین دو متغیر می باشد.

۱۰-۷- تحلیل رابطه بین میزان اطلاع شهروندان از برنامه ها و تصمیم گیریهای مدیریت شهر جدید و میزان

مشارکت آنان

جدول شماره (۵)، رابطه بین میزان اطلاع شهروندان از برنامه ها و تصمیم گیریهای مدیریت شهر جدید با میزان مشارکت آنان در مدیریت شهری را نشان می دهد. برای سنجش متغیرها و آزمون فرضیه فوق از آزمون خی دو (χ^2) استفاده شده است. با توجه به این که سطح معناداری محاسبه شده (sig= 0.000)، از سطح معناداری مورد نظر ($\alpha=0.05$) کمتر است، می توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر رابطه سیستماتیک و معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۵) - بررسی رابطه بین میزان رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری با میزان مشارکت آنان در مدیریت شهر

نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری (sig)	درجه آزادی (df)	نتیجه فرضیه تحقیق
آزمون خی دو	۴۵/۱۲	۰/۰۰۰	۴	تایید

از سوی دیگر مقدار ضریب همبستگی رتبه ای سامرز (Samers' D = ۰/۳۴) حاکی از وجود رابطه مستقیم و متوسط به بالا بین دو متغیر می باشد.

۱۱-۷- تحلیل رابطه بین سود آور بودن فعالیت مشارکتی و میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر

همانطور که در جدول شماره (۶) مشاهده می شود، سطح معناداری بر اساس آزمون خی دو (χ^2) بین متغیرهای فوق برابر با (۰/۰۱۱) می باشد که می توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر به لحاظ آماری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۶) - بررسی رابطه بین سود آور بودن فعالیت مشارکتی با میزان مشارکت آنان در مدیریت شهر

نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری (sig)	درجه آزادی (df)	نتیجه فرضیه تحقیق
آزمون خی دو	۱۳/۰۴	۰/۰۱۱	۴	تایید

همچنین ضریب همبستگی رتبه ای سامرز برابر با (Samers' D = ۰/۱۶) می باشد که حاکی از وجود رابطه مستقیم و همبستگی نسبتاً ضعیفی بین دو متغیر می باشد.



اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار

The 1st National Conference on Geography, tourism, natural resources and sustainable development

۷-۱۲- تحلیل رابطه بین وجود مراکز اشتغال و مشارکت شهروندان در مدیریت شهر جدید با توجه به آزمون خی دو (χ^2) می توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر به لحاظ آماری رابطه معناداری وجود دارد. جدول شماره (۷)، رابطه بین وجود مراکز اشتغال با میزان مشارکت آنان در مدیریت شهری را نشان می دهد. برای سنجش متغیرها و آزمون فرضیه فوق از آزمون خی دو (χ^2) استفاده شده است. با توجه به این که سطح معناداری محاسبه شده ($\text{sig} = 0.000$)، از سطح معناداری مورد نظر ($\alpha = 0.05$) کمتر است، می توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر رابطه سیستماتیک و معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۷) - بررسی رابطه بین وجود مراکز اشتغال و مشارکت شهروندان در مدیریت شهر جدید

نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری (sig)	درجه آزادی (df)	نتیجه فرضیه تحقیق
آزمون خی دو	۶۱/۵۴	۰/۰۰۰	۴	تایید

همچنین با توجه به ضریب همبستگی سامرز ($\text{Samers' } D = ۰/۳۷$)، می توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر رابطه ای مستقیم و همبستگی متوسط به بالایی وجود دارد.

۸- بررسی فرضیات، نتیجه گیری و پیشنهادات

۸-۱- فرضیه اول: به نظر می رسد بین سطح تحصیلات شهروندان شهر جدید با میزان مشارکت آنان در مدیریت شهری رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش حاکی از رابطه ای مستقیم و متوسط بین دو متغیر می باشد. به عبارتی، هر چه میزان سطح تحصیلات شهروندان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنها به همان اندازه بالاتر است و این موضوع نشان دهنده ارتباط مثبت میان این دو است. لذا می توان گفت فرضیه فوق مورد تایید است.

۸-۲- فرضیه دوم: میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با پایگاه اقتصادی آنان مرتبط است. بررسی ها نشان داد، میزان درآمد و پایگاه اقتصادی آنان عاملی نسبتاً قوی در افزایش میزان مشارکت آنان به شمار می رود. لذا فرضیه دوم نیز مورد تایید است.

۸-۳- فرضیه سوم: به نظر می رسد با افزایش میزان رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری، بر میزان مشارکت آنان در مدیریت شهر افزوده می شود. بر این اساس نتایج بدست آمده می توان نتیجه گرفت که افزایش میزان رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری، افزایش در میزان مشارکت آنان را به دنبال خواهد داشت. براین اساس فرضیه فوق مورد تایید است.

۸-۴- فرضیه چهارم: به نظر می رسد بین میزان اطلاع شهروندان از برنامه ها و تصمیم گیریهای مدیریت شهر جدید و میزان مشارکت آنان رابطه وجود دارد. نتایج حاکی از آن است که هر چه میزان اطلاع شهروندان از برنامه ها و تصمیم گیریهای مدیریت شهر جدید افزایش یابد، میزان مشارکت آنها نیز افزایش خواهد یافت و این موضوع نشان دهنده تأثیرگذاری اطلاع شهروندان از



برنامه ها و تصمیم گیریهای مدیریت شهر جدید در افزایش مشارکت آنان است. لذا می توان گفت فرضیه فوق نیز مورد تایید است.

۸-۵- فرضیه پنجم: سودآور بودن فعالیت مشارکتی بر میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مؤثر است.

بنا بر بررسی انجام گرفته می توان نتیجه گرفت که سودآور بودن فعالیت مشارکتی تاثیر نسبتا ضعیفی در افزایش میزان مشارکت آنان را به دنبال خواهد داشت و در صورتیکه پاداشی برای حمایت مشارکتی آنان در نظر گرفته شود، شهروندان بیشتر در فعالیت های شهر جدید مشارکت خواهند کرد. بر این اساس فرضیه فوق مورد تایید است.

۸-۶- فرضیه ششم: به نظر می رسد بین وجود مراکز اشتغال و مشارکت شهروندان در مدیریت شهر جدید رابطه وجود دارد.

نتایج نشان داد با افزایش مراکز اشتغال، میزان مشارکت آنان نیز افزایش می یابد و به بیان دیگر وجود مراکز اشتغال یکی از عواملی است که در افزایش میزان مشارکت تاثیرگذار است. لذا فرضیه مورد تایید است.

امروزه در نظام های برنامه ریزی، مشارکت به عنوان یکی از اصیل ترین و مقبول ترین رویکردها جهت نیل به اهداف برنامه ریزی از جمله پایداری پذیرفته شده است و طی کردن موفق مسیر فرایند برنامه ریزی منوط به دخالت و در نظر گرفتن نقش همه بهره وران آن است. بنابراین توجه به مشارکت در مدیریت شهری، نقش عمده ای در حل بسیاری از مشکلات و مسائل شهری دارد. حال با توجه به نبود سابقه زیاد مشارکت در مدیریت شهرهای ایران و همچنین توجه به مباحث مشارکت در شهرهای بزرگ لزوم توجه به مشارکت در شهرهای جدید به این دلیل که بستر مشارکت شهروندی در شهرهای جدید مهیاتر است، مشخص می شود.

بررسی و مشاهدات انجام شده در تحقیق حاضر نشان داد که در شهر جدید سهند، سطح تحصیلات مشارکت کنندگان یکی از عوامل مؤثر در میزان مشارکت شهروندان در ساختار مدیریت شهر جدید به شمار می رود و وجود رابطه ای مستقیم بین سطح تحصیلات و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری به اثبات رسیده است. همچنین بین وضعیت اقتصادی شهروندان و میزان مشارکت آنان در مدیریت شهری رابطه وجود دارد؛ بدین معنی که، هر چه افراد از پایگاه اقتصادی قویتری برخوردار باشند، میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری بالاتر است و بالعکس.

از سوی دیگر، نتایج به دست آمده نشان می دهد که هر چه میزان رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری بیشتر باشد، به همان میزان تمایل بیشتری به مشارکت در مدیریت از خود نشان می دهند. بر این اساس با توجه به آزمون داده ها می توان گفت چنانچه نظام مدیریت شهر جدید خواستار مشارکت گسترده، آگاهانه و مستمر شهروندان در ساختار مدیریت شهری باشد، می بایست بیش از هر چیز عملکرد و فعالیت های خود را متناسب با رضایت شهروندان تغییر دهد. همچنین مطالعات نشان داد که مشارکت شهروندان در فرایند برنامه ریزی نظام مدیریت شهر جدید مستلزم داشتن اطلاعات کافی در مورد موضوعات مربوط به جامعه است. در واقع چنانچه شهروندان آگاهی و اطلاع لازم از برنامه ها و تصمیم گیریهای مدیریت شهر جدید نداشته باشند تمایلی به مشارکت نخواهند داشت. در عین حال اغلب شهروندان معتقد بودند که سودآور بودن فعالیت مشارکتی بر مشارکت آنان مؤثر



اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار

The 1st National Conference on Geography, tourism, natural resources and sustainable development

است و در صورتیکه پاداشی برای حمایت مشارکتی آنان در نظر گرفته شود، شهروندان بیشتر در فعالیت های شهر جدید مشارکت خواهند کرد. همچنین وجود مراکز اشتغال برای شهروندان موجب پذیرش بیشتر مسئولیت از سوی مردم می گردد و از سوی دیگر می تواند بر حس تعلق اجتماعی شهروندان اثر گذاشته و آن را افزایش دهد.

در ادامه پیشنهادهایی به منظور بهبود مشارکت شهروندان در فعالیتهای شهری ارائه می گردد:

- یکی از دلایل اصلی نهادی نشدن فرهنگ مشارکت، ساختار جامعه است که در راه ظهور مشارکت، مانع ایجاد می کند. لذا برای گسترش مشارکت ابتدا باید فرهنگ آن را در بین تمامی افراد گسترش داد و افرادی که در جامعه قدرت را در دست دارند باید بپذیرند که مردم هم در آن سهیم هستند و حق دارند که در تصمیم گیری و نتایج آن سهیم باشند. در حال حاضر مردم فقط از طریق شوراها در مدیریت شهری شهرها مشارکت می کنند و هیچگونه مشارکتی در مدیریت شهری و روند تهیه و اجرای طرح های شهری ندارند. از این رو مشکلات شهرهای موجود لزوم تدوین سیاست های موثر در حکمروایی و سازماندهی شهری به منظور کاهش مسائل شهرهای جدید و عدم تکرار مشکلات پیشین و توجه به رفاه بیشتر شهروندان ضروری است.

- راهکار دوم تقسیم عادلانه درآمد و دادن امکانات و تسهیلات مادی به شهروندان می باشد. چراکه عدم دسترسی مردم به امکانات مالی و اختیارات لازم برای اجرای طرحهای خاص خود، منجر به مشارکت به بی علاقگی مشارکت کنندگان خواهد شد. چنانچه انتظار داشته باشیم فعالیتهای مشارکت، کارکرد اجتماعی مفیدی هم برای شهروندان شهر جدید و هم برای مسئولان آن داشته باشد، باید ترتیبات مالی منظمی تدارک دیده شود.

- یکی از راههای اساسی در زمینه فراهم نمودن زمینه های مشارکت در مردم این است که مردم خود نیازهایشان را مطرح نمایند. لذا باید کلیه برنامه های شهری در یک رویکرد عمومی در معرض دید عموم قرار گرفته و نظر مردم را جویا شد. البته اجرای این عمل توسط مدیریت شهر نیازمند آن است که ساختار مدیریت شهری، وجود نظام تمرکززدا در فرایند تصمیم گیری را الزامی تلقی کرده و به برنامه ریزی از پایین به بالا و استفاده از نظرات مردم و سازمانهای غیردولتی (NGOs) اعتقاد حتمی پیدا کرده باشد. در واقع این نظرسنجی ها از مردم و سازمانهای غیردولتی سبب تهیه بازخوردهای لازم برای اصلاح برنامه ها و پروژه های توسعه شهری خواهد شد.

- آموزش از مقولات بسیار مهمی است که بوسیله آن می توان نحوه مشارکت را به شهروندان آموخت و نیز از این طریق می توان با یاد دادن مفاهیم مشترک به شهروندان، زمینه ایجاد همدلی بین آنان را فراهم آورد که در نهایت منجر به تسهیل مشارکت آنان می گردد. ضرورت آموزش زمانی بیشتر درک می شود که اغلب دیده می شود بسیاری از شهروندان شناخت و اطلاع درستی از مسائل و مشکلات، قوانین و منابع پیرامون خود ندارند. آموزش می تواند از طریق تشکیل کارگاهها، آموزشهای ضمن خدمت، دوره های آموزشی کوتاه مدت و ... انجام پذیرد.

- برای ایجاد حساسیت بین شهروندان در مورد موضوع خاص، متوجه ساختن آنان به این که نتایج و پیامدهای آن موضوع متوجه به خود آنان می شود، بسیار مثرم ثمر می باشد. به عبارتی هر زمان شهروندان احساس کنند که نفعی در مورد خاص متوجه آنان می باشد، نسبت به آن حساس می شوند.



اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار

The 1st National Conference on Geography, tourism, natural resources and sustainable development

- برای استفاده بهینه از توان مشارکتی شهروندان شهر جدید چالش های قانونی و حقوقی بسیاری سد راه شهرداری هاست. اما یکی از مهم ترین تنگناها، فقدان طرح های مشخص و هدفمند در شهرداری ها است که می بایست راهکارها و راهبردهای حل چالش ها مورد تأمل و تعمق قرار گیرد. از جمله این راهکارها می توان به تشکیل دفتر مشارکت های مردمی در حوزه خدمات شهری، تهیه آلبوم های سرمایه گذاری در این حوزه، ارائه آموزش های مرتبط، تدوین آئین نامه های اجرائی دقیق و شفاف، اطلاع رسانی گسترده، ایجاد اعتماد عمومی و ... اشاره کرد. و به طور کلی (۱) جلب اعتماد شهروندان از طریق به فعلیت رساندن نظرات آنان، (۲) نظرخواهی از شهروندان در خصوص اجرای طرح ها، (۳) ارتباط مستقیم شهروندان با مدیران جهت ارائه مشکلات و خواسته های خود و (۴) اعمال مدیریت مشارکتی، از جمله راهکارهای افزایش مشارکت شهروندان به شمار می رود.

منابع

- (۱) بزی، خدارحم و محمدصادق افراسیابی راد (۱۳۸۸)، "سنجش و ارزیابی میزان موفقیت و کارایی شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید صدرا)", مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه ای، سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۳۸۸.
- (۲) پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۱)، "روند توسعه فیزیکی شهر جدید سهند و تعیین محدوده های مناسب به منظور توسعه آتی آن"، مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه ای، سال چهارم، شماره سیزدهم، تابستان ۱۳۹۱.
- (۳) حسین زاده، کریم و دیگران (۱۳۹۱)، "بررسی کارکرد شهرهای جدید ایران در جذب سرریز جمعیت مادر شهرها (مطالعه موردی: شهر جدید سهند)", نشریه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی، سال شانزدهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۱.
- (۴) زیاری، کرامت الله (۱۳۸۲)، "برنامه ریزی شهرهای جدید"، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران.
- (۵) زیاری، کرامت الله و دیگران (۱۳۸۲)، "بررسی مشارکت های شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک"، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- (۶) ساپ (۱۳۸۷)، "طرح بازنگری طرح جامع شهر جدید سهند"، مهندسین مشاور سبز اندیش پایش (ساپ)، جلد اول، شرکت عمران شهرهای جدید، تبریز.
- (۷) شریف زاده، فتاح و جواد صدقی (۱۳۸۸)، "عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر"، دوفصلنامه مطالعات مدیریت، دوره نوزدهم، شماره ۵۹، زمستان ۸۷ و بهار ۱۳۸۸.
- (۸) شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲)، "لزوم تحول مدیریت شهری در ایران"، مجله جغرافیا و توسعه، شماره اول.
- (۹) صالحی فرد، محمد و سید دانا علیزاده (۱۳۸۸)، "بررسی اثرات مشارکت های شهروندی در بهبود خدمات شهری با تاکید بر بازارهای روز (مطالعه موردی: کلان شهر مشهد)", فصلنامه علمی - پژوهشی فضای جغرافیایی، سال یازدهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۰.



اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار

The 1st National Conference on Geography, tourism, natural resources and sustainable development

- ۱۰) طوسی، محمدعلی (۱۳۷۸)، "مشارکت مردم"، فصلنامه اجتماعی و فرهنگی وزارت تعاون، شماره ۹۹.
- ۱۱) علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۲)، "بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)"، جلد اول، انتشارات سازمان شهرداری های کشور.
- ۱۲) علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۲)، "بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (یافته های تجربی و راهبردها)"، جلد دوم، انتشارات سازمان شهرداری های کشور.
- ۱۳) قرخلو، مهدی و اصغر عابدینی (۱۳۸۸)، "ارزیابی چالشها و مشکلات جدید و میزان موفقیت آنها در ایران: شهر جدید سهند"، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره سیزدهم، شماره اول، بهار ۱۳۸۸.
- ۱۴) مرادی مسیحی، و (۱۳۸۴)، "برنامه ریزی استراتژیک و کاربرد آن در شهرسازی ایران، نمونه موردی کلان شهر تهران"، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری شهرداری تهران.
- ۱۵) معصومی اشکوری، سید حسن (۱۳۷۰)، "بررسی و شناخت نمونه های موجود و مراکز وابسته بر صنایع اصل کشور"، مجله معماری و شهرسازی، دوره سوم، شماره ۱۴-۱۳.
- 16) Bomber, Michael (1996), The Role of community participation in development planning and project management, The World Bank, Washington.
- 17) Chakrabarty, B. K. (2001), Urban Management (Concepts, Principles, Techniques and Education), Pergamon.
- 18) Eddie C.M. Hui, Manfred C.M. lam, (2005), "A Study of Commuting Patterns of New Town Resident in Hong Kong", Habitat International, Vol. 29, pp 421- 437.
- 19) Momeni, Mostafa, Hamid Azizi, Mahmoud Taghinia (2011), "Urban Management based on Citizen Participation to Enhance Quality of Life in Tehran", REAL CORP 2011: CHANGE FOR STABILITY: Lifecycles of Cities and Regions, 1075-1085.
- 20) Pennie G. Foster-Fishman, Steven J. Pierce and Laurie A. Van Egeren (2009), "Who Participates and Why: Building a Process Model of Citizen Participation. In: Health Educ Behav".
- 21) Poul, Samoel (2001), "Community participation in development projects. The world bank, Washington. D.C. U.S.A.
- 22) Ziari, K, (2006), "The Planning and Functioning of New Towns in Iran", Cities, Vol. 23, No. 6.
- 23) World Bank. (1997), "World Bank Report", New York, Oxford University Press.